

روشنفکران عصر مشروطیت در آئینه اندیشه رهبر انقلاب

۳ اردیبهشت ۱۳۹۶ ساعت ۷:۳۰

رهبر انقلاب نیز ضمن اشاره به تاریخ پیدایش روشنفکری ایران در دوره قاجار، معتقدند مقوله روشنفکری، با خصوصیتی که در عالم تحقق و واقعیت دارد در کشور ما بیمار و ناسالم و معیوب متولد شد.

کافه تاریخ- مقالات

بررسی نقش روشنفکران به عنوان یکی از گروههای تأثیرگذار در انقلاب مشروطه، همواره مورد توجه کارشناسان و یا نظریه پردازان این حوزه بوده است. در این رابطه، گروهی نقش روشنفکران را به طور کلی انکار کرده و با دیده تردید به آن مینگرند و گروهی نیز معیار مهم پیروزی یا شکست مشروطه را به حضور این گروه نسبت میدهند. اما فارغ از این دیدگاههای غالب، شخصیتی چون مقام معظم رهبری با تبیین دقیق روشنفکری و تعیین گروههای مختلف روشنفکران در دوره مشروطه، تعریفی متفاوت از این مقوله ارائه میدهند. نوشته حاضر، با بهره‌گیری از بیانات مقام معظم رهبری به نقش روشنفکران مشروطه در این انقلاب میپردازد.

تاریخ روشنفکری در ایران

گرچه نمیتوان تاریخ دقیقی را جهت ورود جریان روشنفکری به ایران تعیین نمود؛ اما بسیاری بالاتفاق دوره قاجار را نقطه آغاز پیدایش اندیشههای روشنفکری میدانند. در این دوره تحت تأثیر تحولات جهانی و نیز اعزام دانشجو به خارج از کشور، بتدریج مظاهر غربی تحت لوای روشنفکری و با اصطلاح «منورالفکر» به کشور رخنه نمود. از این رو جریان مذکور در ابتدا به شدت تحت تأثیر غرب قرار داشت و شامل افراد، گروه و تمامی جریانهای بود که با بازآفرینی اندیشههای نوین در جامعه آن روزگار، درصدد تغییرات فکری خاص خود بوده و با احساس ضرورت عواملی چون آزادی، قانون گرایی، دموکراسی و مفاهیمی از این قبیل تلاش کردند تا مفاهیم نوینی را از اندیشههای غربی، وارد ادبیات سیاسی کشور کرده و به تحقق آن بپردازند. آبراهامیان در تعریف نقش و تأثیر این گروه عنوان میکند: «افکار و اندیشههای غربی، به ویژه روشنگری فرانسوی، این گروه را متقاعد کرد که تاریخ نه مشیت -خداوندی... بلکه جریان پیشرفت بی وقفه بشری است.»^۱ بسیاری مصداق بارز این گروه در دوران مشروطه را افرادی چون ملکم خان، تقی‌زاده، فریدون آدمیت و... میدانند. اما تعبیر مقام معظم رهبری از این گروه و نقش آنها در مشروطه متفاوت از این تعاریف میباشد.

رهبر انقلاب نیز ضمن اشاره به تاریخ پیدایش روشنفکری ایران در دوره قاجار، پیدایش این مقوله را بیمار و نامطمئن دانسته و معتقدند مقوله روشنفکری، با خصوصیتی که در عالم تحقق و واقعیت دارد (که در آن، فکر علمی، نگاه به آینده، فرزانی، هوشمندی، احساس درد در مسائل اجتماعی و بخصوص آنچه که مربوط به فرهنگ است، مستتر است) در کشور ما بیمار و ناسالم و معیوب متولد شد. در این رابطه ایشان با تأکید به گروه خاص اشرافیون به عنوان اولین گروه وارد کننده افکار و اندیشه‌های غربی، معتقدند زمانی که تفکرات مربوط به آزادی چند دهه قبل از مشروطه مطرح شد، «تفکرات غربی بتدریج به وسیله عوامل اشرافی، شاهزاده‌ها و عوامل سلطنت، داخل ذهن یک مجموعه‌ای از روشنفکران راه باز کرده بود.»^۲ از این رو به تعبیر رهبر انقلاب روشنفکر در آن دوران اولیه، مساوی است با اشرافی. البته به تعبیر حجت الاسلام خسروپناه تعبیر رهبر انقلاب از جریان روشنفکری محدود به یک گروه و یا معنا نبوده و شامل سه گروه متفاوت می‌باشد:

۱- روشنفکری حقیقی: روشنفکری که هم دین مدار است، هم درک درستی از دین دارد و هم به فرهنگ ملی و ایرانی خود اهمیت می‌دهد.

۲- روشنفکری غیر حقیقی مخالف مذهب: روشنفکری که هم مخالف مذهب است و هم به جهت سرسپردگی به فرهنگ غربی مخالف با فرهنگ اصیل ملی است.

۳- روشنفکری غیر حقیقی و موافق مذهب: روشنفکری که مخالف مذهب نیست و سرسپرده فرهنگ غربی نیز نمی‌باشد ولی درک درستی هم از مذهب ندارد.^۳

بر اساس این تقسیم بندی، میتوان گفت با توجه به بیانات رهبر، دیدگاه ایشان از روشنفکران مشروطه، به دو گروه روشنفکران حقیقی و روشنفکران غیرحقیقی مخالف مذهب باز میگردد. مصداق بارز روشنفکران غیرحقیقی مخالف مذهب، در این دوره شامل افرادی چون میرزاملکم خان است که به تعبیر مقام معظم رهبری، «داعیه روشنفکری داشت و ملّخواست علیه دستگاه استبداد ناصرالدین شاه روشنگری کند، اما خود دلال معامله بسیار استعماری و زیانبار «رویترا» بود»^۴ با توجه به این دیدگاه، میتوان اینگونه استنباط نمود که دو مشخصه اصلی مورد نظر رهبر انقلاب از روشنفکران غیرحقیقی، در وهله اول بیدینی و در وهله دوم سرسپردگی به استعمارگران میباشد. مقام معظم رهبری یکی از مظاهر اصلی بیدینی روشنفکران را جریان اعدام شیخ فضل الله نوری میداند که طی آن عده‌ای از مردم در تهران ایستادند و تماشا کردند که «مجتهد بزرگی مثل شیخ فضل الله نوری را بالای دار بکشند و دم نزدند؛ دیدند که او را به جرم اینکه با جریان انگلیسی و غرب‌گرای مشروطیت همراهی نکرد، ضد مشروطه قلمداد کردند.»^۵

بر این اساس، مشروطه تا زمانی که صبغه دینی داشت و به پیشوایی علمایی چون مرحوم سید عبدالله بهبهانی و مرحوم سید

-محمد طباطبایی، درصدد استقرار عدالت و مبارزه با استبداد بود، در مسیر درست خود حرکت مینمود. این افراد که به نوعی می توان از آنها تحت عنوان روشنفکران حقیقی نام برد، به تعبیر رهبر دلسوزانی بودند که نباید حق و نقش آنها در مشروطه ضایع شود. رهبر انقلاب از این افراد و از جمله شخص طالقانی با عنوان روشنفکرانی یاد میکند که تفکری نو و جدید داشته و روشنفکری آنها دینی بوده است. البته روشنفکران دینی نیز شامل دو گروه روشنفکران مبارز و غیر مبارز میباشند که تعداد روشنفکران دینی مبارز کمتر از روشنفکران غیر مبارز بوده است. از نظر رهبر انقلاب رسالت روشنفکران دینی مبارز بسی مهمتر و تأثیرگذارتر از روشنفکران غیرمبارز بوده است؛ زیرا «روشنفکران غیرمبارز تنها به حرف زدن بسنده کرده و با متن قضیه کار نداشتهاند.»^۶

با این حال در نقطه مقابل این افراد روشنفکران غیردینی و اشرافی قرار داشتند که در پی تحقق مقولاتی چون آزادی و عدالت، به روش ضد دینی و ضد روحانیت روی آوردند. این در حالیست که گرایش ضد کلیسائی در غرب که شاخصی مهم آزادی بود، متفاوت از جریان دینی در ایران بود. از این رو به باور رهبر انقلاب نتیجه این شرایط نفوذ اندیشههای روشنفکران غیرحقیقی به مشروطه و تحقق آن به شکل دلخواه این گروه بود که در نهایت نیز همین موضوع باعث شکست مشروطه میگردد. از این رو «روشن فکran، به جای اینکه دنبال دستگاه عدالت باشند، مشروطیت را سر کار آوردند...نتیجه این شد که مشروطه را هم به همان شکلی که خودشان میخواستند برگردانند.»^۷ یعنی به شکلی که از یک سو متأثر از افکار و اندیشههای غربی بود و از سویی ریشه در نفوذ کشور انگلستان داشت. در نهایت هم با شکست مشروطه، کشور از آرمانهای حقیقی مشروطه دور و به حکومت رضاخان ختم میشود.

فهرست منابع

۱. پرواند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ترجمه: احمد گل محمدی، محمد ابراهیم فتاحی، تهران، نشر نی، ۱۳۷۶. چاپ دوم. ص ۸۰.
۲. [بیانات در چهارمین نشست اندیشه‌های راهبردی ۱۳۹۱/۰۸/۲۳](#)
۳. برای مطالعه بیشتر در این زمینه رجوع کنید به: عبدالحسین خسروپناه، جریان شناسی فکری ایران معاصر (جریان شناسی فکری ایران معاصرو جریان شناسی ضد فرهنگها)، قم، موسسه حکمت نوین اسلامی، ۱۳۸۸
۴. بیانات مقام معظم رهبری در جمع دانشجویان دانشگاه تهران ۱۳۷۷/۲/۲۲
۵. [بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۴/۸/۸](#)،
۶. بیانات در دیدار اعضای ستاد نکوداشت آیت الله طالقانی، ۹/۱۲/۱۳۸۹

۷. اجتماع بزرگ مردم قم ۱۴/۰۷/۱۳۷۹

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۳۵۷۷۵/انقلاب-رهبر-اندیشه-آئینه-مشروطیت-عصر-روشنفکران>